

دروس مقدماتی کلیسای ۲۲۲ فنلو

"درس دوم"

آیا کتاب مقدس تحریف شده است؟



در میان ما ایرانیان بسیار شنیده می شود که کتاب مقدس مسیحیان دست خورده و یا به عبارت دیگر تحریف شده است. یا عده ای می گویند که دیگر اعتبار سابق را ندارد، چون با آمدن کتاب جدید کتاب قدیمی باطل شده است. در این قسمت خواهیم کوشید که به این ادعا از جنبه های مختلف علمی و تاریخی پاسخ دهیم که کتاب مقدس نه تحریف شده است و نه باطل.

اما قبل از آن ببینیم که تحریف چیست؟

کلمه تحریف هم ریشه است با انحراف، در واقع مدعیان تحریف کتاب مقدس معتقدند که متن اصلی بعدها دست خورده و افراد مغرض به خاطر منافع خود آن را تغییر داده اند. یا اینکه رهبران دینی پیام اصلی آن دین را به هنگام تعلیم خود مورد تحریف قرار داده اند.

معمولا تحریف را بر دوگونه تعریف میکنند:

- 1. تحریف کتبی :** یعنی این که در متن کتاب دینی یک باوری دست برده شده باشد.
- 2. تحریف شفاهی :** یعنی این که متن کتاب آسمانی دست نخورده اما معلمین آن اعتقاد هنگام تعلیم دادن

آن، بطور شفاهی اصول و اعتقادات آن را تغییر داده اند.

اما در میان ما ایرانیان چنین مرسوم است که متن کتاب مقدس دست خورده است، یعنی کتابی که امروز در دست ماست در اثر گذر زمان دخل و تصرف در آن ایجاد شده است.

اما قبل از هر چیز در ابتدا از مدعیان این سوال را باید کرد که کدام قسمت از

کتاب مقدس تحریف شده است؟

عهد قدیم یا عهد جدید و یا هر دوی آنها؟

مهمترین سوال از مدعیان تحریف این است که چه کسانی و در چه زمانی و در کجا دست به تحریف عهد عتیق زده اند؟

- ادعای اول می‌گوید که تحریف عهد عتیق قبل از میلاد مسیح انجام شده است:

(الف) آیا جانشین موسی یا رهبران عهد عتیق را تحریف کرده‌اند؟

اعتقاد به تحریف عهد عتیق مستلزم این است که معتقد باشیم که این کتاب را جانشین موسی (یوشع)

تحریف کرده است، اما آیا می‌توان معتقد بود که یوشع آن مرد غیور و جانشین موسی بلافاصله تورات را تحریف کرده باشد؟

یا شخص ممکن است بگوید که نه یوشع بلکه سالها بعد رهبران منحرف دست به چنین عملی زده اند. در

این صورت باید معتقد باشیم که رهبران یهود همگی به یکباره منحرف و فاسد شدند و هیچ شخص خدا

ترسی در میانشان باقی نمانده بود. چنین تصویری هم خلاف عقل و هم خلاف شهادت تاریخ است. به

شهادت تاریخ در همه ی دورانها عهد عتیق انبیایی بودند که به پادشاهان ظالم زمانه اعتراض میکردند که

رفتارشان بر خلاف احکام تورات است. پس نتیجه می‌شود که اولاً آن‌ها متن درست تورات را در دست



داشته و ثانیاً بر اساس آن می توانستند رفتار درست را از نادرست تشخیص دهند. تا جایی که بعضی از انبیاء به خاطر رعایت احکام تورات تا پای جان می ایستادند.

ب) از لحاظ تاریخی عهد عتیق تحریف شده است!

بعضی‌ها ادعا دارند که حدود 600 سال پیش از میلاد زمانی که پادشاه بابل نبوکد نصر یهودیان را به بابل به اسارت برد و اورشلیم و معبد بزرگ یهود را ویران ساخت، تورات و صحف انبیا نیز از بین رفت. چنین امری از نظر تاریخی صحت ندارد. نبوکد نصر پادشاه بابل پیش از ویرانی اورشلیم دانشمندان و اشراف زادگان و بزرگان یهود را به بابل منتقل کرد و این افراد کتاب مقدس خود را با خود بردند و میراث خود را حفظ نمودند. چرا که طبق یوشع 8:1، این یکی از فرمانهای خدا به قوم بود که کلام از آن‌ها دور نشود.

یوشع باب 1 آیه 8:

این کتاب تورات از دهان تو دور نشود. روز و شب در آن تامل کن تا مطابق هر آنچه در آن نوشته شده، به دقت عمل نمایی. آنگاه راه خود را فیروز خواهی ساخت و کامیاب خواهی شد.

در ضمن انبیای بزرگی همچون دانیال و حزقیال و زکریا نیز از جمله افراد تبعید شده به بابل بودند که این افراد در زمان تبعید خود دائماً به کتب تورات و صحف انبیاء اشاره کرده اند.

ب) از لحاظ فرهنگ یهود

در یهودیت هر کسی نمیتوانست جزء کاتبین و کاهنان و راویان باشد، بلکه شرایط بسیار خاصی برای انتخاب ایشان وجود داشت. این افراد با دقت و وسواس بسیار زیادی در هنگام نسخه برداری و رونویسی کتب مقدس از خود به خرج می‌دادند تا مبدا چیزی از آن کم یا زیاد شود. آن‌ها خوب می‌دانستند که اگر کسی از متن این کتاب چیزی کم یا زیاد کند مورد لعنت قرار خواهد گرفت.



ادعای دوم می‌گوید که تحریف عهد عتیق بعد از میلاد مسیح انجام شده است.

الف) گواهی عیسی مسیح و تایید عهد عتیق

از طرف دیگر اگر فرض کنیم که عهد عتیق تحریف شده است، چگونه می‌شود که نه تنها خود عیسی مسیح آن را مورد تأیید قرار داده، بلکه در خیلی موارد به آن استناد می‌کند.

متی باب 5 آیات 17 و 18:

گمان مبرید که آمده ام تا تورات و نوشته های پیامبران را نسخ کنم؛ نیامده ام تا آنها را نسخ کنم، بلکه آمده ام تا تحققشان بخشم. زیرا آمین، به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، نقطه ای یا همزه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا اینکه همه به انجام رسد.

او همواره از عهد عتیق نقل قول می‌آورد و آن را کلام جاودانی خدا می‌دانست. او تعالیم خود را بر شالوده عهد عتیق استوار می‌کرد. در مباحثاتش با ملایان یهود نیز از عهد عتیق حجت می‌آورد.

ب) از لحاظ باستان شناسی

منتقدین همیشه ادعا می‌کردند که نسخه های متعلق به قرن دهم آنقدر قدیمی نیستند که گواه بر این باشند که متن همان است که پیش از ظهور مسیحیت بوده است. اما حدود 50 سال پیش در سال 1947 یک پسرک چوپان بطور اتفاقی در سرزمین فلسطین در غاری در نزدیکی دریای مرده نسخه هایی خطی از عهد عتیق (قسمتهای زیادی از کتاب اشعیا) را پیدا کرد که دانشمندان باستان شناس بعد از مطالعات بسیار زیاد متوجه شدند که این نسخه ها متعلق به قرن دوم و اول قبل از میلاد می‌باشند که وقتی آن طومارها را با تمام کتاب‌های قدیمی مقایسه کردند، دیدند که با هم هیچ فرقی ندارند و این طومارها به طومارهای دریای مرده معروف شدند.



مدعیان تحریف عهد جدید!

باز هم باید به همان سؤال اول بازگشت که چه کسی و در چه زمانی و در کجا تحریف را انجام

داده است؟

یک نکته ی مهم را نباید فراموش کرد که در زمان عهد جدید کتابت یک امر رایج بود. انسان ها دیگر از لوحهای گلی یا سنگی برای نوشتن متون مقدس یا متنهای مربوط به حکومت و پادشاه به خاطر دوام بیشترشان از پوست حیوانات استفاده می شد.

یهودیان به خاطر اعتقادات مذهبی شان کودکان خود را به کنیسه برای یادگیری کتب مقدس می فرستادند و از طرف دیگر افراد باسواد هم در سرزمینهای تحت سلطه امپراطوری روم بسیار بود. به همین دلیل نوشته های رسولان مسیح به سرعت نسخه برداری شد و در کلیساهای مختلف دنیا به عنوان نوشته های

مقدس حفظ شد. اگر یکی از رهبران در گوشه ای از دنیا قصد می کرد که کتابی را تحریف کند چیزی

نمی گذشت که عملش برملا می شد و خودش هم رسوا می شد. از طرفی دیگر باید از مدعیان تحریف

این سوال را کرد که، آیا مگر شما نمونه اصلی را در دست دارید که با نوشته ی جعلی آن را مقایسه

کنید، در طول تاریخ خیلی ها دنبال این بودند که دو جمله ی متفاوت از دو متن را پیدا کنند، ولی تا به

امروز موفق نشده اند و منطق به ما حکم می کند که اگر کسی مایل به تحریف باشد، همه نویسندگان چه

عهد عتیق و چه عهد جدید اولین کاری که می کنند این است که رسوایی های خودشان، گناهان و



اشتباهات خودشان را نمی نوشتند. چرا که باعث آبروریزی خودشان بود. موسی قتل خودش را نمی نوشت داوود زناکار, زناي خودش را نمی نوشت. پطرس انکار مسیح را حذف می کرد. به همین دلیل ما اعتقاد داریم که تمامی کتب از الهام خداست, زیرا که روح خدا نویسندگان را تحت کنترل خود قرار داد تا تمام گناهان افراد نوشته شود تا امروز درس عبرتی برای ما باشند.

از لحاظ منطقی باز هم به این مشکل بر می خوریم, اگر بپذیریم که رسولان مسیح دست به تحریف کتابهای خود زده اند. چرا که همین رسولان به خاطر پیغام انجیل فجیع کشته یا شکنجه شدند. پطرس وارونه مصلوب شد. یوحنا را در روغن داغ سوزاندند. اگر این کلام اشتباه و دروغ است, چرا حاضر شدند به خاطر کلام دروغ خود را به این شکل فجیع به کشتن دهند.

از طرف دیگر اگر رسولان قادر به حفظ صحیح کلام نبودند, پس مسیح از انتخاب آنها اشتباه بزرگی مرتکب شده و افرادی فاسد را برگزیده است. امیدوارم که کسی چنین اعتقادی نداشته باشد.

مسیح می دانست که چه کسانی را انتخاب کند. و او حتی می دانست که یهودا اسخریوطی بعدها به او خیانت خواهد کرد. او در انتخاب خود اشتباه نکرده است, به همین دلایل فوق است که ما طبق دوم

تیموتائوس ۱:۳-۱۶ اعتقاد داریم که تمامی کتب از الهام خداست و در جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید.

یعنی اگر افراد بدون الهام و روح خدا شروع به نگارش می کردند هیچ کدام گناهان خود را نمی نوشتند.

اما چون خدا پشت کلامش هست اجازه داد تا تمام قوتها و ضعفها و گناهان نوشته شود تا برای ما درس عبرتی باشند.

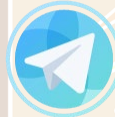
"برکت خدا با تك تك شما عزیزان"



باشد که خدا از این طریق با قلبهای شما عزیزان صحبت کرده باشد.
اگر سوال دارید یا می خواهید قلب خود را به مسیح بسپارید، و یا به نسخه های صوتی و تصویری این درس دسترسی داشته باشید، می توانید از طریق های زیر با ما در تماس باشید.



[222churchvenlo](https://www.facebook.com/222churchvenlo)



[church222venlo](https://t.me/church222venlo)

برای اطلاعات بیشتر، لطفاً از وب سایت ما دیدن فرمایید.



www.222churchvenlo.com

222CHURCH
VENLO